

**صندوق ارزی
یا صندوق اعتماد؟****دکتر محمدرضا قدیمی
مدیر مسئول**

بحث صندوق‌های ارزی بیش از آنکه آزمون یک ابزار مالی تازه باشد، آزمون اعتماد عمومی است. مردم زمانی دلار را از خانه به صندوق می‌آورند که مطمئن باشند دارای‌شان شفاف، نقدشونده و قابل دسترسی است. در اقتصادی که تورم مزمن، نوسان ارزی و خاطره تصمیم‌های ناگهانی وجود دارد، هیچ ابزار مالی فقط با دسترسی موفق نمی‌شود. صندوق ارزی اگر قرار است کار کند، باید پیش از جذب دلار، اعتماد جذب کند.

از نگاه یک اقتصاددان، نگهداری دلار در خانه فقط یک رفتار مالی ساده نیست؛ نشانه‌ای از نااطمینانی است. وقتی خانوار احساس می‌کند ارزش پول ملی در معرض کاهش دائمی است، برای حفظ قدرت خرید خود به دارایی‌هایی پناه می‌برد که تصور می‌کند در برابر تورم مقاوم‌ترند. برای بخشی از جامعه، اسکانس ارز، بنابراین دلار خانگی را نباید فقط با نگاه امنیتی یا آثاری دید؛ باید آن را به عنوان پیام اقتصادی مردم تحلیل کرد.

ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب و کار آفرینی

اقتصاد ایران در آستانه یک چرخش بزرگ؟

عضو اتاق بازرگانی ایران با اشاره به عبور کشور از پیامدهای جنگ ۱۲ روزه، از شکل‌گیری نشانه‌های امیدبخش در اقتصاد سخن گفت و تاکید کرد که آزادسازی منابع ارزی، احتمال کاهش نرخ ارز، بهبود روابط منطقه‌ای و چشم‌انداز رفح تحریم‌هایی می‌تواند اقتصاد ایران را در آستانه یک چرخش بزرگ قرار دهد.

سید حمید حسینی - عضو اتاق بازرگانی ایران - در گفت‌وگو با ایسنا، درباره آخرین وضعیت ...

صندوق‌های ارزی؛ راه تازه برای جذب دلارهای خانگی یا آزمون تازه اعتماد؟

دلارهای خانگی به صندوق می‌آیند؟

فرصت امروز؛ در سال‌های تورمی، بخشی از جامعه برای حفظ ارزش دارایی خود به ارز پناه برده است. دلار در اقتصاد ایران فقط یک پول خارجی نیست؛ نماد نگرانی، پناهگاه دارایی و شاخص انتظارات است. بسیاری از خانوارها، حتی اگر فعال حرفه‌ای بازار ارز نباشند، در دوره‌های نااطمینانی بخشی از پس‌انداز خود را به اسکانس ارز تبدیل کرده‌اند. حالا بحث صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی، این پرسش را پیش کشیده است: آیا دلارهای خانگی می‌توانند از گاو صندوق‌ها و کسوها به ابزارهای مالی رسمی منتقل شوند؟

ایده صندوق ارزی در ظاهر جذاب است. به جای اینکه مردم اسکانس دلار بخرند و در خانه نگه دارند، می‌توانند منابع ارزی خود را در صندوقی سرمایه‌گذاری کنند که تحت نظارت رسمی فعالیت می‌کند، دارایی‌های ارزی دارد و احتمالاً بازده مشخصی ارائه می‌دهد. اگر چنین ابزاری درست طراحی شود، ممکن است...

مردودی ۲۳ درصد خودروها

در مرحله نخست آزمون آلاینده‌گی

۲

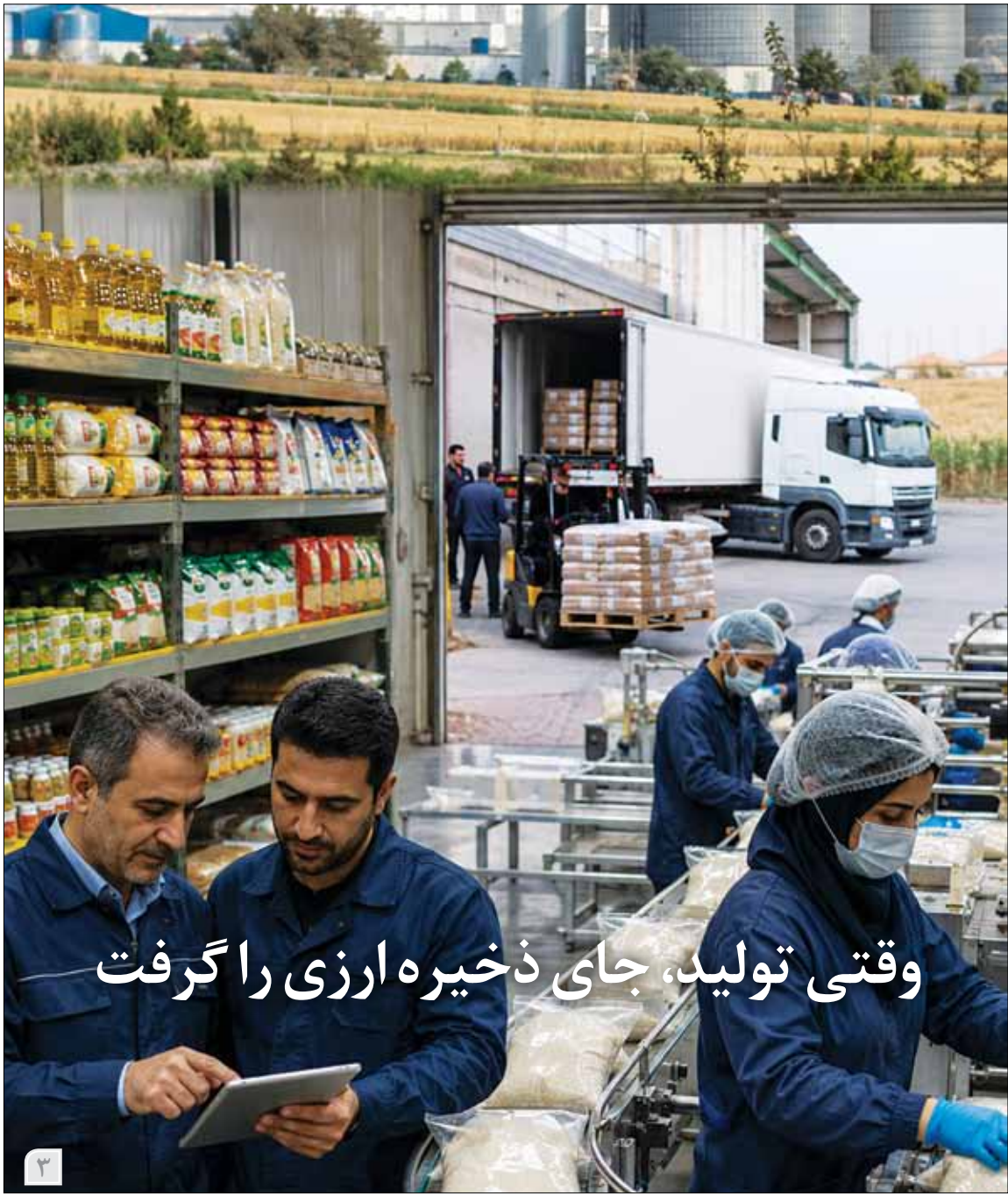
۲

مدیریت و کسب‌وکار

حفظ تعامل و کیفیت کاری کارمندان در روند دورکاری

همه‌گیری کرونا تغییرات بسیار زیادی در دنیای کسب و کار به همراه داشته است. در این میان شاید روند فعالیت برندها بیش از هر نکته دیگری در کانون توجه قرار گرفته است. زمانی تمام برندها به صورت حضوری کارمندان‌شان تعامل داشته و تمام فعالیت‌های یک برند به طور حضوری با مشارکت تمام اعضا پیش می‌رفت. با این حال همه‌گیری کرونا تمام شرایط را در این میان تغییر داد. امروزه کمتر برندی دیگر به فعالیت حضوری کارمندان به صورت بی‌چون و چرا پایبند است. در عوض بسیاری از کسب و کارها به دنبال روش‌های تازه‌تر برای مدیریت کسب و کار هستند. دور کاری در این میان یک گزینه بسیار خوب و بی‌عیب برای مدیریت کسب و کار، حتی در سخت‌ترین شرایط ممکن، محسوب می‌شود. یکی از نکات مهم در این میان تلاش برای تاثیرگذاری بر روی مخاطب هدف در دنیای کسب و کار و بهینه‌سازی وضعیت فعالیت برندهاست. دور کاری حتی در شرایطی...

۸



وقتی تولید، جای ذخیره ارزی را گرفت

صندوق ارزی یا صندوق اعتماد؟

باید بدانند صندوق ارزی فقط محصولی برای جمع‌آوری دلارهای خانگی نیست؛ آزمونی برای اعتبار سیاست‌گذاری است. اگر صندوق ارزی درست طراحی شود، می‌تواند چند کارکرد مثبت داشته باشد. نخست، می‌تواند بخشی از تقاضای فیزیکی اسکانس را کاهش دهد. دوم، می‌تواند سرمایه‌گذاری ارزی را از فضای غیررسمی به فضای قابل نظارت منتقل کند. سوم، می‌تواند به توسعه بازار مالی کمک کند و گزینه‌ای تازه برای سرمایه‌گذار خرد فراهم آورد. چهارم، اگر منابع صندوق به پروژه‌های مولد ارزی، صادرات، تامین مالی خارجی یا اوراق معتبر متصل شود، می‌تواند از حالت صرفاً سفته‌بازانه خارج شود.

اما اگر صندوق فقط آینه‌ای از نرخ دلار باشد، اثر آن محدود خواهد ماند. در این حالت، مردم به جای خرید اسکانس، واحد صندوق می‌خرند، اما ذهنیت اقتصاد همچنان دلاری باقی می‌ماند. یعنی جامعه هنوز برای حفظ دارایی خود به ارز خارجی پناه می‌برد، فقط شکل نگهداری آن تغییر کرده است. چنین صندوقی شاید به مدیریت بازار اسکانس کمک کند، اما مسئله اصلی یعنی اعتمادی به ثبات پول ملی را حل نمی‌کند.

هدف نهایی سیاست‌گذار نباید فقط آوردن دلارهای خانگی به صندوق باشد. هدف اصلی باید کاهش انگیزه نگهداری دلار خانگی باشد. این هدف با صندوق ارزی به تنهایی محقق نمی‌شود. نیازمند مهار تورم، ثبات سیاست ارزی، انضباط مالی دولت، شفافیت تصمیم‌ها و پرهیز از تغییرات ناگهانی مقررات است. وقتی مردم احساس کنند پول ملی ثبات نسبی دارد، انگیزه تبدیل پس‌انداز به دلار کمتر می‌شود.

در این میان، نحوه اجرای طرح بسیار مهم است. اجرای شتاب‌زده

در ابزارهای مالی، اعتماد از شفافیت آغاز می‌شود. صندوق ارزی باید به زبان ساده توضیح دهد دارایی‌هایش چیست، چگونه ارزش‌گذاری می‌شود، چه نهادی آن را مدیریت می‌کند، چه ریسک‌هایی دارد و سرمایه‌گذار چگونه می‌تواند وارد و خارج شود. اگر این موارد مبهم بماند، صندوق پیش از آنکه شروع شود، با تردید روبه‌رو خواهد شد. مردم در بازارهای مالی از ابهام می‌ترسند، مخصوصاً وقتی پای ارز و دارایی خنوار در میان باشد. نقدشوندگی نیز مسئله‌های حیاتی است. مردم دلار را نگه می‌دارند چون احساس می‌کنند هر زمان لازم باشد، می‌توانند آن را بفروشند. اگر صندوق ارزی نتواند همین حس دسترسی را ایجاد کند، جذابیت آن محدود می‌شود. سرمایه‌گذار باید مطمئن باشد خروج از صندوق با مانع، صف، تاخیر طولانی یا نرخ‌گذاری نامطلوب مواجه نمی‌شود. صندوقی که نقدشونده نباشد، نمی‌تواند جایگزین اسکانس نقد شود. موضوع دیگر، تضمین است. اگر قرار است تضمینی داده شود، باید دقیق و روشن باشد. تضمین اصل سرمایه یعنی چه؟ اصل سرمایه ارزی تضمین می‌شود یا ارزش ریالی آن؟ اگر نرخ ارز تغییر کند، سرمایه‌گذار چه چیزی دریافت می‌کند؟ اگر صندوق دچار کمبود نقدینگی شود، چه نهادی مسئول است؟ وعده‌های کلی در کوتاه‌مدت ممکن است تبلیغاتی باشد، اما در بلندمدت اگر عملی نشود، سرمایه اجتماعی را تخریب می‌کند. اقتصاد ایران از کمبود ابزار مالی رنج می‌برد، اما کمبود اصلی فقط ابزار نیست؛ کمبود اعتماد است. ابزار مالی بدون اعتماد، شبیه پلی است که مردم از استحکام آن مطمئن نیستند. ممکن است روی کاغذ طراحی خوبی داشته باشد، اما کسی حاضر نباشد از آن عبور کند. به همین دلیل، سیاست‌گذار

این پیام روشن است: بخشی از جامعه نسبت به آینده پول ملی، نرخ تورم و تصمیم‌های سیاست‌گذار اطمینان کافی ندارد. اگر این اطمینان وجود نداشت، مردم ترجیح نمی‌دادند دارایی خود را به شکل اسکانس خارجی در خانه نگه دارند. نگهداری دلار در خانه نه بازده تولیدی دارد، نه برای اقتصاد ملی مفید است و نه حتی از نظر فردی بدون ریسک است. اما وقتی مردم میان ریسک‌های مختلف انتخاب می‌کنند، گاهی اسکانس خارجی را کم‌ریسک‌تر از سپرده ریالی یا ابزارهای رسمی می‌بینند.

اینجاست که ایده صندوق ارزی مطرح می‌شود. صندوق ارزی می‌خواهد به مردم بگوید لازم نیست دلار را در خانه نگه دارید؛ می‌توانید آن را در قالب یک ابزار رسمی، تحت نظارت و قابل معامله سرمایه‌گذاری کنید. در ظاهر، این ایده می‌تواند مفید باشد. از یک سو، ریسک نگهداری فیزیکی اسکانس کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، بخشی از منابع ارزی پراکنده می‌تواند وارد مدار شفاف‌تری شود. همچنین سیاست‌گذار می‌تواند به جای مواجهه با تقاضای پنهان و غیررسمی ارز، بخشی از آن را در قالب صندوق مشاهده و مدیریت کند.

اما مسئله اینجاست که مردم فقط به دلیل وجود یک نام رسمی یا یک تابلو زیبا وارد صندوق نمی‌شوند. آنها چند پرسش ساده دارند: آیا هر زمان بخواهم می‌توانم پولم را پس بگیرم؟ ارزش دارایی من با چه نرخ محاسبه می‌شود؟ اگر نرخ ارز تغییر کند، صندوق چگونه ارزش‌گذاری می‌شود؟ آیا ممکن است فردا مقررات برداشت تغییر کند؟ آیا اصل دارایی من تضمین شده است؟ آیا نرخ‌گذاری واقعی است یا دستوری؟ پاسخ به این پرسش‌ها تعیین می‌کند صندوق ارزی موفق می‌شود یا نه.

توسعه ابزار ارزی باید با سیاست‌های تقویت پول ملی همراه باشد. سرمقاله امروز بر همین نکته تاکید دارد. صندوق ارزی پیش از آنکه صندوق دلار باشد، صندوق اعتماد است. اگر اعتماد وجود داشته باشد، مردم حاضر می‌شوند دارایی خود را از شکل پنهان و خانگی به شکل رسمی و شفاف منتقل کنند. اگر اعتماد وجود نداشته باشد، حتی بهترین طراحی فنی هم با استقبال محدود روبه‌رو می‌شود. اعتماد نیز با تبلیغ ساخته نمی‌شود. با ثبات مقررات، اجرای دقیق تعهدات، گزارش‌دهی شفاف، نقدشوندگی واقعی و احترام به حقوق سرمایه‌گذار ساخته می‌شود. مردم باید ببینند که قواعد صندوق امروز و فردا یکی است. باید بدانند تصمیم ناگهانی، دارایی آنها را قفل نمی‌کند. باید اطمینان داشته باشند که نرخ‌گذاری عادلانه است و خروج از صندوق در زمان نیاز امکان‌پذیر خواهد بود. در نهایت، دلارهای خانگی با دستور به صندوق نمی‌آیند، با اعتماد می‌آیند. اگر سیاست‌گذار می‌خواهد این منابع پراکنده را به مسیر رسمی نزدیک کند، باید پیش از هر چیز ریشه بی‌اعتمادی را ببیند. مردم دلار را در خانه نگه نمی‌دارند چون عاشق اسکانس خارجی‌اند، نگه می‌دارند چون از آینده ارزش پول خود نگرانند. صندوق ارزی می‌تواند بخشی از تماس آن‌ها در رده جمع‌آوری و لیست شده است استفاده مالی لازم است.

صورت: shaparak.shaprak و... است.

باید اول اعتماد را به خانه‌ها برگرداند.

و گسترده، بدون دوره آزمایشی، می‌تواند ریسک بی‌اعتمادی را بالا ببرد. بهتر است صندوق‌های ارزی ابتدا در مقیاس محدود، با قواعد کم‌لاروشن و گزارش‌دهی منظم آغاز شوند. اگر مردم در عمل ببینند ورود و خروج آسان است، ارزش‌گذاری شفاف است و مقررات ناگهانی تغییر نمی‌کند، اعتماد به تدریج ساخته می‌شود. بازار مالی با تجربه موفق رشد می‌کند، نه با دستور اداری.

باید به حافظه اقتصادی مردم توجه کرد. جامعه تجربه‌های مختلفی از سیاست‌های ارزی، محدودیت‌ها، نرخ‌گذاری‌ها و وعده‌های اقتصادی دارد. هر طرح جدید بر اساس همین حافظه قبضات می‌شود. اگر مردم در گذشته احساس کرده باشند که تصمیم‌های ناگهانی به زیان آنها تمام شده، در برابر ابزارهای جدید محتاط‌تر خواهند بود. بنابراین صندوق ارزی باید بیش از حد معمول شفاف، پاسخگو و قابل پیش‌بینی باشد.

از زاویه سیاست ارزی، صندوق ارزی می‌تواند یک فرصت باشد، اما فرصت مشروط. اگر این صندوق‌ها تقاضای اسکانس را کاهش دهند و منابع ارزی را به مسیر رسمی بیاورند، می‌توانند به آرامش بازار کمک کنند. اما اگر به ابزاری برای تقویت انتظارات افزایشی ارز تبدیل شوند، ممکن است نتیجه معکوس بدهند. تفاوت این دو نتیجه در طراحی، پیام‌رسانی و کیفیت حکمرانی است.

همچنین باید مراقب سود صندوق ارزی به رقیب پول ملی تبدیل نشود. ابزار ارزی در اقتصادی که از تورم مزمن رنج می‌برد، جذابیت بالایی دارد. اگر سیاست‌گذار بدون مهار ریشه‌های تورم، ابزارهای ارزی را گسترش دهد، ممکن است دلاریزه شدن ذهنی جامعه تقویت شود. مردم بیشتر از قبل دارایی خود را با معیار دلار بسنجند. این وضعیت برای اقتصاد ملی مطلوب نیست. بنابراین

برای در امان ماندن از کلاهبرداری بانکی چه باید کرد؟

رمز عبور شما دسترسی داشته باشند تا بتوانند از حساب‌تان پول برداشت کنند.

او توصیه کرد که خریداران هرگز رمز کارت بانکی را به فروشنده یا افراد دیگر ندهند و همین‌طور کارت بانکی را خودشان در دستگاه بکشند تا گرفتار اینگونه کلاهبرداری نشوند.

همچنین رمز چهار رقمی کارت بانکی خود را در بازه‌های مختلف زمانی تغییر دهید. پیشنهاد می‌شود جهت جلوگیری از فراموش کردن این اقدام مهم، در پایان هر فصل اقدام به تغییر رمز عابر بانک خود کنید. اغلب مردم رمزهای کلیشه‌ای (CVVT) و تاریخ انقضای کارت بانکی ۲ مورد مهم از ۳ نوع اطلاعات شما برای خرید اینترنتی است.

رمز یکبار مصرف یا رمز پویا کارت بانکی صرفاً برای استفاده در دستگاه‌های اینترنتی و یا انتقال وجه کارت به کارت است. در حفظ و عدم افشاء آن دقت کنید. یکی دیگر از انواع کلاهبرداری سوءاستفاده از بانکداری مدرن و خودپرداز است که به کاربران توصیه می‌شود از آن‌ویروس‌های معتبر استفاده کنند. لینک‌ها و فایل‌های متفرقه برای به‌روزرسانی ابزارهای امنیتی مناسب نیستند. این به‌روزرسانی را به صورت خودکار از طریق تنظیمات سیستم عامل انجام دهید.

همچنین توصیه شده ورود به موبایل‌بانک خود را دو عاملی کنید. استفاده از اثر انگشت برای ورود به همراه‌بانک را نادیده نگیرید. موبایل‌بانک خود را صرفاً از طریق وسایط همان بانک یا مارک‌های معتبر داخلی دریافت کنید. از دریافت و نصب برنامه‌های بانکی از طریق لینک‌های ارسال شده در پیامک و شبکه‌های اجتماعی خودداری کنید.

فروشگاهی، کارت را خودتان کشیده و رمز چهار رقمی را وارد کنید.

در این باره علی اصغر زارعی - مدرس دانشگاه - در گفت‌وگو با ایسنا، به کاربران توصیه کرده که وقتی می‌خواهید از فروشگاه‌ها یا از مغازه‌ها خرید کنید، حتما رمز کارت‌تان را خودتان وارد کنید. نکته خیلی مهم دیگر این‌که کارت بانکی‌تان را هم خودتان در دستگاه کارتخوان قرار دهید؛ زیرا متأسفانه بعضی از فروشنده‌ها، دستگاهی به اسم اسکیم‌ر دارند که وقتی مشتری حواسش نیست، کارت بانکی مشتری را روی دستگاه اسکیم‌ر هم می‌کشند و در نتیجه اطلاعات کارت بانکی مشتری روی دستگاه اسکیم‌ر کپی می‌شود و زمانی که به رمز کارت مشتری دسترسی داشته باشند، می‌توانند به سادگی از آن حساب پول برداشت کنند. این کارشناس تاکید کرد: برای دسترسی به رمز کارت مشتری، شاید از شما درخواست کنند که رمز کارت بانکی‌تان را بدهید تا عملیات برداشت پول را انجام دهند، یا وقتی شما رمز را در دستگاه وارد می‌کنید، این رمز را به خاطرشان می‌سپارند و بعد از رفتن شما، از حساب‌تان پول برداشت می‌کنند.

به گفته زارعی، اسکیم‌ر یک دستگاه کوچکی است که وقتی کارت بانکی را روی آن می‌کشید، تمام اطلاعات آن کارت را در خودش ذخیره می‌کند. بعد از این، کافی است به

طی سال‌های اخیر میزان کلاهبرداری از کارت‌های بانکی مردم افزایش یافته است و افراد فرصت طلب منتظر یک اشتباه و غفلت هستند تا اطلاعات و حتی پول مردم را بدست بیاورند.

به گزارش ایسنا، یکی از جرایم سایبری، کلاهبرداری بانکی یا فیشینگ است که سوء استفاده کنندگان سعی می‌کنند اطلاعات شخصی و مالی کاربران را از طریق پیام‌ها، ایمیل‌ها یا وبسایت‌های تقلبی به دست آورند. هدف اصلی فیشینگ، دزدی اطلاعات مهم شماره کارت بانکی، رمزهای عبور و اطلاعات حساب بانکی است.

کلاهبرداری ممکن است از طریق عابر بانک (کارت نقدی)، اینترنت بانک و موبایل بانک و خودپرداز است. عابر بانک‌ها جزء جدانشدنی از زندگی همه تبدیل شده و اکثراً روزانه چندین بار از کارت نقدی خود برای خرید در فروشگاه‌ها و خریدهای آنلاین (خرید در فروشگاه اینترنتی، تاکسی تلفنی، سفارش غذا و ...) استفاده می‌کنند. این میزان استفاده از کارت نقدی فضای سوءاستفاده برای کلاهبرداری را جذاب کرده است و کلاهبرداران با طرح‌ریزی شگردهای مختلف قصد سرقت و دزدی از اطلاعات بانکی مجرمانه شما را دارند. البته به اعتقاد کارشناسان، می‌توان با رعایت موارد احتیاطی از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری کرد، به عنوان نمونه هنگام خرید از دستگاه‌های کارتخوان (پوز)

خبرنامه



کالابرگ جایگزین افزایش دستمزد نیست

استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) با بیان اینکه افزایش مبلغ کالابرگ باید متناسب با نرخ تورم انجام شود، گفت: دولت اگر قادر به کنترل تورم نیست، باید کاهش قدرت خرید خانوارها را جبران کند؛ این جبران در درجه اول باید از مسیر اصلاح حقوق و دستمزدها انجام شود، اما در شرایطی که این امکان وجود ندارد، افزایش حمایت‌هایی مانند کالابرگ اجتناب‌ناپذیر است.

کامران ندری، استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) در گفت‌وگو با ایسنا، با یادآوری اینکه دولت از قبل وعده داده بود که کالابرگ متناسب با نرخ تورم افزایش پیدا کند، خاطرنشان کرد: با توجه به نرخ تورم، مبلغ کالابرگ باید در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر مورد بازنگری قرار گیرد تا بتواند اثر واقعی خود را حفظ کند. دولت دو راه بیشتر ندارد؛ یا باید تورم را کنترل کند یا اگر نمی‌تواند تورم را مهار کند، باید درآمد خانوارها را جبران کند. جبران درآمد نیز یا باید از طریق افزایش حقوق و دستمزدها انجام شود یا از طریق حمایت‌هایی مانند کالابرگ؛ هر چند که افزایش حقوق و دستمزدها اولویت دارد.

به گفته این اقتصاددان؛ مسئله اصلی، تامین منابع لازم برای افزایش کالابرگ است. با توجه به شرایط فعلی، کاهش درآمدهای دولت و افزایش هزینه‌ها، تامین منابع این طرح کار دشواری است. به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت تنها راه موجود برای تامین منابع، فروش اوراق توسط دولت است. البته فروش اوراق باید مشروط به این باشد که دولت برنامه‌ای برای حل مشکلات در آینده داشته باشد؛ یعنی مذاکرات به نتیجه برسد، درآمدهای نفتی افزایش پیدا کند و بخشی از دارایی‌های بلوکه‌شده دولت آزاد شود تا دولت بتواند در آینده از عهده بازپرداخت بدهی‌های خود برآید.

ندری با تاکید بر اینکه کالابرگ راهکار درجه دوم است، اظهار کرد: تومی که امروز در اقتصاد شاهد آن هستیم، نتیجه سیاست‌های اقتصادی است و دولت باید به هر شکلی مسئولیت آن را بپذیرد و کاهش قدرت خرید مردم را جبران کند. در بسیاری از کشورها حقوق و دستمزدها متناسب با نرخ تورم و در فاصله‌های زمانی مناسب اصلاح می‌شوند. در ایران معمولاً اصلاح دستمزدها سالانه انجام می‌شود و حتی اگر جبرانی هم صورت گیرد، با فاصله زمانی زیادی همراه است.

وی افزود: در شرایطی که امکان اصلاح حقوق و دستمزدها متناسب با نرخ تورم وجود ندارد، چاره‌ای جز استفاده از کالابرگ باقی نمی‌ماند؛ چراکه حذف این حمایت‌ها باعث می‌شود فشار اقتصادی بیشتری به خانوارها وارد شود. البته منظور اصلاح درآمد هم برای حقوق بگیران شافل و هم مستمری‌بگیران، بازنشستگان و افرادی که مقرری بیمه بیکاری دریافت می‌کنند، است. افرادی که شافل نیستند و درآمد آنها تحت‌تاثیر تورم کاهش پیدا کرده، نیز باید توجه قرار گیرند و حمایت‌های لازم درباره آنها انجام شود.

ذخایر نفت اضطراری آمریکا به پایین‌ترین رکورد از زمان دولت ریگان رسید

میزان نفت موجود در ذخایر استراتژیک نفت آمریکا هفته گذشته به پایین‌ترین میزان از سال ۱۹۸۳ رسید، زیرا دولت ترامپ همچنان به استفاده از نفت اضطراری برای به حداقل رساندن آسیب‌های جنگ علیه ایران ادامه می‌دهد.

به گزارش ایسنا، داده‌های فدرال در روز دوشنبه نشان داد مقامات آمریکایی تنها هفته گذشته ۸.۹ میلیون بشکه دیگر از ذخایر استراتژیک نفت را آزاد کردند.

با این حساب، ذخایر نفت اضطراری آمریکا به ۳۴۰.۳ میلیون بشکه نفت خام می‌رسد و از پایین‌ترین سطح قبلی که در ژوئیه ۲۰۲۲ در زمان ریاست جمهوری جو بایدن پس از آغاز جنگ روسیه در اوکراین ثبت شده بود، فراتر می‌رود.

آخرین باری که ذخایر استراتژیک نفت آمریکا کمتر از امروز بود، ژوئیه ۱۹۸۳ بود که دولت ریگان برای اولین بار ذخایر را پر می‌کرد و آمریکا اقتصاد کوچک‌تری داشت.

ذخایر استراتژیک نفت به عنوان ابزاری کلیدی ظهور کرده است که مقامات ترامپ برای کاهش آسیب‌های قیمت بالای انرژی به مصرف‌کنندگان، کسب و کارها و اقتصاد به طور کلی از آن استفاده کرده‌اند.

اندی لیپو، رئیس شرکت «لیپو اویل سوشیٹس» گفت: «آزادسازی ذخایر استراتژیک نفت، همراه با آزادسازی ذخایر توسط سایر دولت‌ها و کاهش صادرات چین، تا به امروز از وقوع سناریوی آخرالزمانی نفت ۱۵۰ دلاری جلوگیری کرده است.»

جنگ‌های پی در پی بخش بزرگی از ذخایر استراتژیک نفت را از بین برده است.

از زمان آغاز جنگ علیه ایران در اواخر فوریه، ذخایر استراتژیک نفت ۷۵ میلیون بشکه یا ۱۸ درصد کاهش یافته است.

وقتی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، سومین دوره رقابت خود برای کاخ سفید را در سال ۲۰۲۲ آغاز کرد، جو بایدن را به خاطر تخلیه ذخایر استراتژیک نفت پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای آن سال مورد انتقاد قرار داد. اما اکنون مقامات ترامپ با سرعت بیشتری پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای امسال، ذخایر استراتژیک نفت را تخلیه می‌کنند.

در سطوح فعلی، ذخایر استراتژیک نفت آمریکا کمی کمتر از نصف پر است.

مایک سامرز، مدیرعامل ذخایر نفتی آمریکا، هفته گذشته هشدار داد که ذخایر استراتژیک نفت برای عملیاتی شدن باید حداقل ۲۰ درصد پر باشد. سامرز در مصاحبه‌ای با قیل متینگلی از سی‌ان‌ان در برنامه «لید» گفت: «ما اکنون زنگ خطر را به صدا درآورده‌ایم. ما به سطوحی رسیده‌ایم که نگران‌کننده شده‌اند.»

لیپو گفت که فکر می‌کند آزادسازی ذخایر استراتژیک نفت ممکن است پس از اتمام آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه‌ای که دولت ترامپ در مارس متعهد به آزادسازی آن شده بود، کاهش یابد.

نفت اضطراری آزاد شده از زمان شروع جنگ علیه ایران باید به مرور زمان جایگزین شود، اما این جایگزینی به موقع برای اوج فصل طوفان اتفاق نخواهد افتاد.

بر اساس گزارش سی‌ان‌ان، لیپو گفت: «اگر قرار باشد طوفان بزرگی در خلیج مکزیک داشته باشیم که تولید را برای چند هفته متوقف کند، آن ضربه‌گیر دیگر وجود نخواهد داشت.»

صندوق‌های ارزی؛ راه تازه برای جذب دلارهای خانگی یا آزمون تازه اعتماد؟

دلارهای خانگی به صندوق می‌آیند؟



سرمایه‌گذاری مولد وصل شود، می‌تواند نقش مثبت‌تری داشته باشد. اما اگر فقط آینه‌ای از نرخ دلار باشد، اثر تولیدی آن محدود خواهد بود. **دلار خانگی؛ سرمایه پنهان یا نشانه بی‌اعتمادی؟**

گاهی گفته می‌شود دلارهای خانگی می‌توانند منبعی برای اقتصاد باشد. این حرف تا حدی درست است؛ منابع ارزی پراکنده اگر به چرخه رسمی و مولد بازگردد، می‌تواند بخشی از نیازهای ارزی را پوشش دهد. اما نباید فراموش کرد که خود وجود دلار خانگی نشانه یک مشکل است. مردم وقتی پول ملی را امن ندانند، به دارایی خارجی پناه می‌برند.

بنابراین هدف نهایی نباید فقط جمع‌آوری دلارهای خانگی باشد. هدف باید کاهش انگیزه نگهداری دلار خانگی باشد. این هدف با صندوق ارزی به تنهایی محقق نمی‌شود. نیازمند مهار تورم، ثبات سیاست ارزی، شفافیت مقررات و بازسازی اعتماد به پول ملی است. صندوق ارزی می‌تواند ابزار مکمل باشد، نه جایگزین اصلاحات کلان. اگر تورم بالا بماند و انتظارات ارزی بی‌ثبات باشد، مردم همچنان به دنبال پناهگاه می‌گردند؛ چه در قالب اسکناس، چه صندوق، چه طلا و چه دارایی‌های دیگر.

فرصت برای بازار مالی

با همه این احتیاط‌ها، صندوق ارزی می‌تواند فرصت مهمی برای توسعه بازار مالی باشد. اقتصاد ایران به ابزارهای متنوع سرمایه‌گذاری نیاز دارد. اگر مردم فقط میان سپرده ریالی، اسکناس دلار، طلا، خودرو و مسکن انتخاب کنند، بخش بزرگی از سرمایه خرد به سمت دارایی‌های غیرمولد می‌رود. ابزارهای مالی شفاف می‌توانند گزینه‌های رسمی‌تر و قابل نظارت‌تری ایجاد کنند.

صندوق ارزی اگر با استانداردهای حرفه‌ای مدیریت شود، می‌تواند بخشی از سرمایه‌گذاری ارزی را از فضای غیررسمی خارج کند. همچنین می‌تواند به شفافیت تقاضای ارز کمک کند. اما این فقط در صورتی است که مقررات آن پایدار، ارزش‌گذاری آن قابل فهم و گزارش‌های آن قابل اعتماد باشد.

جمع‌بندی؛ صندوق ارزی یا صندوق اعتماد؟

پرسش اصلی این نیست که مردم دلار دارند یا نه؛ پرسش این است که آیا حاضرند دلار خود را به یک ابزار رسمی بسپارند؟ پاسخ این پرسش به میزان اعتماد بستگی دارد. مردم اگر احساس کنند صندوق ارزی تحت تاثیر تصمیم‌های ناگهانی، نرخ‌گذاری دستوری یا محدودیت خروج قرار می‌گیرد، وارد آن نمی‌شوند. اما اگر شفافیت، نقدشوندگی و تضمین روشن وجود داشته باشد، بخشی از سرمایه‌های ارزی می‌تواند به مسیر رسمی نزدیک شود. دلارهای خانگی به صندوق می‌آیند؛ شاید؛ اما نه با دستور و تبلیغ. فقط با اعتماد. صندوق ارزی در واقع صندوق اعتماد است. اگر سیاست‌گذار بتواند اعتماد بسازد، این ابزار می‌تواند به کاهش فشار بازار اسکناس و توسعه بازار مالی کمک کند. اگر نتواند، مردم همان گزینه قدیمی را ترجیح می‌دهند: نگهداری دلار در خانه، به عنوان بیمه شخصی در برابر آینده نامطمئن. اقتصاد ایران برای عبور از دلاریزه شدن ذهنی جامعه، به چیزی بیش از ابزار مالی نیاز دارد. به ثبات، شفافیت و مهار تورم نیاز دارد. صندوق ارزی می‌تواند شروع یک مسیر باشد، اما پایان آن نیست.

اما صندوق ارزی فقط زمانی موفق است که طراحی آن دقیق باشد. اگر مردم احساس کنند ارزش سرمایه آنها به نرخ دستوری محاسبه می‌شود، نقدشوندگی محدود است یا امکان تغییر ناگهانی مقررات وجود دارد، به جای ورود به صندوق، همان اسکناس را ترجیح می‌دهند.

مسئله اصلی: تضمین و نقدشوندگی

دو پرسش مهم برای سرمایه‌گذار خرد وجود دارد: اول، اصل دارایی من حفظ می‌شود یا نه؟ دوم، هر زمان نیاز داشتم می‌توانم از صندوق خارج شوم یا نه؟ اگر پاسخ این دو پرسش روشن نباشد، صندوق ارزی با استقبال گسترده روبرو نخواهد شد.

در بازار ارز، نقدشوندگی اهمیت زیادی دارد. مردم دلار را دوست دارند چون هر زمان بخواهند، می‌توانند آن را بفروشند. اگر صندوق ارزی محدودیت خروج، صف ابطل، تاخیر پرداخت یا نرخ‌گذاری مبهم داشته باشد، جذابیت خود را از دست می‌دهد. سرمایه‌گذار باید بداند واحد صندوق را با چه نرخ می‌خرد، با چه نرخ می‌فروشد و اختلاف این دو نرخ چقدر است.

تضمین نیز مسئله حساسی است. اگر دولت یا بانک مرکزی وعده تضمین بدهد، باید روشن باشد این تضمین شامل چه چیزی است: اصل سرمایه ارزی، ارزش ریالی، بازده مشخص یا فقط چارچوب نظارتی؟ وعده مبهم می‌تواند در آینده به بی‌اعتمادی تبدیل شود. در ابزارهای مالی، ابهام دشمن اعتماد است.

تجربه‌های گذشته و حافظه مردم

مردم با حافظه اقتصادی تصمیم می‌گیرند. هر سیاست جدیدی بر اساس تجربه‌های قبلی سنجیده می‌شود. اگر در گذشته ابزارهای مالی، سپرده‌ها، سیاست‌های ارزی یا وعده‌های رسمی برای مردم هزینه ایجاد کرده باشد، اعتماد به صندوق جدید سخت‌تر شکل می‌گیرد. بنابراین بانک مرکزی و دولت باید بدانند صندوق ارزی فقط یک محصول مالی نیست؛ آزمون اعتبار سیاست‌گذار است.

برای موفقیت، بهتر است این صندوق‌ها ابتدا در ابعاد محدود، با چارچوب کاملاً شفاف و گزارش‌دهی منظم اجرا شوند. اگر مرحله آزمایشی موفق باشد، اعتماد به‌تدریج شکل می‌گیرد. اما اجرای گسترده بدون آمادگی، می‌تواند ریسک شکست را بالا ببرد. بازار مالی با دستور بزرگ نمی‌شود؛ با اعتماد و تجربه موفق بزرگ می‌شود.

اثر بر بازار ارز

یکی از اهداف احتمالی صندوق ارزی، کاهش تقاضای اسکناس در بازار آزاد است. اگر مردم به جای خرید فیزیکی دلار، واحد صندوق بخرند، فشار بر بازار اسکناس ممکن است کمتر شود. این موضوع به‌ویژه در دوره‌های نااطمینانی می‌تواند برای سیاست‌گذار جذاب باشد.

زیرا بخشی از تقاضای ارزی به مسیر رسمی منتقل می‌شود. اما این اثر قطعی نیست. اگر صندوق ارزی فقط شکل جدیدی از سرمایه‌گذاری روی افزایش نرخ دلار باشد، ممکن است حتی تقاضای ارزی را تشویق کند. مردم به جای خرید اسکناس، واحد صندوق می‌خرند، اما همچنان ذهنیت آنها ارزی باقی می‌ماند. در این حالت، صندوق به جای کاهش دلاریزه شدن اقتصاد، آن را رسمی‌تر می‌کند.

پس طراحی صندوق بسیار مهم است. اگر منابع صندوق به تامین مالی پروژه‌های ارزی، صادرات، واردات ضروری، اوراق ارزی یا یکی از اهداف احتمالی صندوق ارزی، کاهش تقاضای اسکناس در بازار آزاد است. اگر مردم به جای خرید فیزیکی دلار، واحد صندوق بخرند، فشار بر بازار اسکناس ممکن است کمتر شود. این موضوع به‌ویژه در دوره‌های نااطمینانی می‌تواند برای سیاست‌گذار جذاب باشد. زیرا بخشی از تقاضای ارزی به مسیر رسمی منتقل می‌شود. اما این اثر قطعی نیست. اگر صندوق ارزی فقط شکل جدیدی از سرمایه‌گذاری روی افزایش نرخ دلار باشد، ممکن است حتی تقاضای ارزی را تشویق کند. مردم به جای خرید اسکناس، واحد صندوق می‌خرند، اما همچنان ذهنیت آنها ارزی باقی می‌ماند. در این حالت، صندوق به جای کاهش دلاریزه شدن اقتصاد، آن را رسمی‌تر می‌کند. پس طراحی صندوق بسیار مهم است. اگر منابع صندوق به تامین مالی پروژه‌های ارزی، صادرات، واردات ضروری، اوراق ارزی یا

فرصت امروز: در سال‌های تورمی، بخشی از جامعه برای حفظ ارزش دارایی خود به ارز پناه برده است. دلار در اقتصاد ایران فقط یک پول خارجی نیست؛ نماد نگرانی، پناهگاه دارایی و شاخص انتظارات است. بسیاری از خانوارها، حتی اگر فعال حرفه‌ای بازار ارز نباشند، در دوره‌های نااطمینانی بخشی از پس‌انداز خود را به اسکناس ارز تبدیل کرده‌اند. حالا بحث صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی، این پرسش را پیش کشیده است: آیا دلارهای خانگی می‌توانند از گاو صندوق‌ها و کبوشا به ابزارهای مالی رسمی منتقل شوند؟

ایده صندوق ارزی در ظاهر جذاب است. به جای اینکه مردم اسکناس دلار بخرند و در خانه نگه دارند، می‌توانند منابع ارزی خود را در صندوقی سرمایه‌گذاری کنند که تحت نظارت رسمی فعالیت می‌کند، دارایی‌های ارزی دارد و احتمالاً بازده مشخصی ارائه می‌دهد. اگر چنین ابزاری درست طراحی شود، ممکن است بخشی از تقاضای اسکناس را کاهش دهد، ارزش‌های پراکنده را به چرخه رسمی نزدیک کند و مسیر شفاف‌تری برای سرمایه‌گذاری ارزی بسازد. اما موفقیت این طرح بیش از هر چیز به یک واژه بستگی دارد: اعتماد.

چرا مردم دلار نگه می‌دارند؟

برای فهم صندوق ارزی، ابتدا باید فهمید چرا مردم دلار نگه می‌دارند. بخش مهمی از تقاضای ارز در ایران از جنس واردات، سفر یا تجارت نیست؛ از جنس حفظ ارزش دارایی است. خانوار وقتی می‌بیند تورم بالا می‌رود و پول ملی قدرت خرید خود را از دست می‌دهد، به دنبال دارایی‌ای می‌گردد که فکر می‌کند ارزشش بهتر حفظ می‌شود. برای برخی طلا این نقش را دارد، برای برخی مسکن، برای برخی خودرو و برای برخی از مردم دلار.

دلار خانگی محصول بی‌اعتمادی به ثبات پول ملی است. اگر مردم اطمینان نداشته باشند تورم مهار می‌شود، نرخ ارز جهش نمی‌کند و سپرده ریالی ارزش خود را از دست نمی‌دهد، انگیزه نگهداری اسکناس خارجی کمتر می‌شود. اما در اقتصاد تورمی، نگهداری دلار از نگاه خانوار نوعی بیمه شخصی در برابر آینده نامطمئن است.

بنابراین صندوق ارزی با یک واقعیت روانی و اقتصادی روبروست. نمی‌توان فقط با معرفی یک ابزار مالی، رفتار مردم را تغییر داد. باید به آنها نشان داد که این ابزار امن‌تر، شفاف‌تر، نقدشوندتر و قابل اعتمادتر از نگهداری اسکناس در خانه است.

صندوق ارزی چیست؟

صندوق ارزی می‌تواند ابزاری باشد که منابع مردم را به ارز یا دارایی‌های ارزی تبدیل می‌کند و واحدهای سرمایه‌گذاری آن به مردم فروخته می‌شود. سرمایه‌گذار به جای خرید مستقیم اسکناس، واحد صندوق را می‌خرد. ارزش این واحدها می‌تواند با تغییرات نرخ ارز، سود دارایی‌های ارزی یا بازده سرمایه‌گذاری صندوق تغییر کند.

مزیت چنین ابزاری این است که نگهداری فیزیکی اسکناس حذف می‌شود. ریسک سرقت، جعل، گم‌شدن و هزینه مبادله کمتر می‌شود. از طرف دیگر، اگر صندوق شفاف باشد، مردم می‌دانند دارایی آنها چگونه مدیریت می‌شود. دولت و بانک مرکزی نیز می‌توانند بخشی از تقاضای غیررسمی ارز را در قالب یک ابزار تحت نظارت مشاهده و مدیریت کنند.

مردودی ۲۳ درصد خودروها در مرحله نخست آزمون آییندگی

می‌کنند و به صورت کلی از هر هزار دستگاه خودرویی که توسط خودروسازان تولید می‌شود یک دستگاه به عنوان نمونه برای تست آییندگی در آزمایشگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورتی که نتایج آزمون‌ها با استانداردهای تعیین‌شده مطابقت نداشته باشد، فرآیند شماره‌گذاری خودرو متوقف شده و خودروساز موظف است نسبت به اصلاح نواقص اقدام و پس از انجام اصلاحات نیز آزمون‌های مجدد صورت می‌گیرد و تنها در صورت تایید نتایج، مجوز ادامه تولید و شماره‌گذاری صادر می‌شود.

در بخش دیگری از این نشست خبری علی عابدی - مدیرکل نظارت بر اجرای استانداردهای صنایع فلزی سازمان استاندارد در پاسخ به سوال خبرنگار ایسنا مبنی بر الزامات تحقق استانداردهای ۸۵گانه خودرو توسط خودروسازان به جای تعجیل در استانداردهای ۱۲۲ گانه خودرو گفت: در حال حاضر استانداردهای ۸۵گانه خودرو اجباری هستند و همه خودروهایی که عرضه می‌شوند این استانداردها را رعایت می‌کنند. استانداردهای ۱۲۲ گانه تدوین شده اما به مرور باید برای اجرایی شدن آنها اقدام کرد. وی در رابطه با موضوع آییندگی خودرو نیز افزود: متولی موضوع آییندگی خودرو، سازمان حفاظت از محیط زیست است و هر خودرویی که مجوز شماره گذاری دریافت می‌کند تا مراحل نهایی همه استانداردهای اجباری و لازم را طی می‌کند و اینکه طی زمان اگر شاهد آن هستیم که خودرویی از خط تولید و مدار تولید خارج می‌شود شاید یکی از عوامل آن باشد که به خوبی نتوانسته در طی زمان استانداردهای را طی کند.

مدیرکل نظارت بر اجرای استانداردهای صنایع فلزی سازمان

مدیر مرکز آزمون و آییندگی خودرو شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران اعلام کرد به طور میانگین ۲۳ درصد خودروها در مرحله اول تست آییندگی موفق به کسب استانداردهای لازم نمی‌شوند که این به معنای مردود شدن کامل نیست در مراحل بعدی فرآیند اصلاح صورت می‌گیرد و تا زمان طی کردن تمامی استانداردها امکان شماره گذاری برای خودرویی وجود ندارد.

به گزارش ایسنا، سعید تاجیک - مدیرعامل شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران - در نشست خبری در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوالاتی درباره استاندارد آییندگی خودرو گفت: در حال حاضر، خودروهای تولید داخل ملزم به رعایت استاندارد آییندگی یورو ۵ هستند و چنانچه خودرویی نتواند الزامات این استاندارد را برآورده کند، با نظارت سازمان ملی استاندارد و سازمان حفاظت محیط زیست، شماره‌گذاری آن متوقف خواهد شد.

وی افزود: مصرف سوخت خودروهای ایران به صورت عمومی مصرف بالایی است که به صورت میانگین ۸ لیتر برای ۱۰۰ کیلومتر می‌رسد که رقم بالایی نسبت به میانگین جهانی بوده و با توجه به روندهای جهانی و فناوری‌های جدید خودروسازی، یکی از مهم‌ترین نیازهای صنعت خودروی کشور، نوسازی فناوری و به‌روزرسانی تکنولوژی‌های تولید است تا علاوه بر کاهش آییندگی، مصرف سوخت نیز به شکل محسوسی کاهش یابد.

مدیرعامل شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران ادامه داد: در زمینه نظارت بر عملکرد خودروها، سازمان ملی استاندارد و سازمان حفاظت محیط زیست به‌صورت مستمر از خطوط تولید نمونه‌برداری

استاندارد گفت: نکته این است، استانداردهای اجباری خودرو ناظر بر مباحث مربوط به ایمنی در خودرو است و در مباحث مربوط به کیفیت خودرو متولی وزارت صنعت معدن و تجارت است. خودروسازان به مرور زمان یا به پای استانداردهای اجباری ملزم به رعایت و اجرای استاندارد هستند و طی زمان استانداردهای لازم را اعمال می‌کنند و امروز در رابطه با موضوع استانداردهای ۸۵ گانه نگرانی وجود ندارد. در پایان این نشست علی مولانا - مدیر مرکز آزمون و آییندگی خودرو شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران، گفت: به صورت میانگین ۲۳ درصد از خودروها در حوزه آییندگی در مرحله اول تست مردود می‌شوند که این به معنای مردود شدن کامل نیست در مراحل بعدی فرآیند اصلاح صورت می‌گیرد و تا زمان طی کردن تمامی استانداردها امکان شماره گذاری برای خودرویی وجود ندارد. وی در پایان افزود: نتایج آزمون‌های تست آییندگی به‌صورت ماهانه پایش و ارزیابی می‌شود و وضعیت هر ماه ممکن است با ماه‌های دیگر متفاوت باشد و در مواردی که خودروها موفق به کسب نتایج مطلوب در آزمون‌ها نشوند، خودروسازان موظف هستند اقدامات اصلاحی لازم را در بخش‌های مختلف از جمله سامانه‌های موتور و کنترل آییندگی انجام دهند و سپس خودروها مجدداً مورد آزمون قرار بگیرند و در نهایت باید توجه داشت که کیفیت سوخت مصرفی نیز در عملکرد خودرو و میزان آییندگی آن تاثیرگذار است. با این حال، خودروسازان موظف‌اند محصولات خود را بر مبنای استانداردهای مصوب کشور طراحی و تولید کنند و تا پایان فرآیند تولید، الزامات مربوط به استانداردها و معیارهای زیست‌محیطی را رعایت کنند.

وقتی تولید، جای ذخیره ارزی را گرفت

فرصت امروز: در روزهای بحران، نگاه‌ها معمولاً به سمت ذخایر ارزی، تصمیم‌های دولت، بازار ارز، بودجه عمومی و واردات اضطراری می‌رود. تصور رایج این استست که اگر کشور منابع ارزی کافی داشته باشد یا دولت بتواند سریع‌تر کالا وارد کند، بحران عرضه مهار می‌شود. این نگاه بخشی از واقعیت را توضیح می‌دهد، اما همه واقعیت نیست. در بسیاری از بحران‌ها، آنچه اقتصاد را از کمبود گسترده، جهش شدیدی قیمت و اختلال معیشتی نجات می‌دهد، نه فقط ارز و واردات، بلکه توان تولید داخلی است.



وقتی از تولید داخلی صحبت می‌شود، ذهن بسیاری از مردم به سمت کارخانه‌ها می‌رود؛ خط تولید، کارگر، ماشین‌آلات و محصول نهایی. اما تولید در اقتصاد امروز فقط کارخانه نیست. تولید یک زنجیره است؛ از تامین مواد اولیه آغاز می‌شود، به انرژی، نیروی انسانی، ماشین‌آلات، بسته‌بندی، حمل‌ونقل، انبارداری، پخش، فروش و خدمات پس از فروش می‌رسد. هر حلقه از این زنجیره اگر آسیب ببیند، محصول نهایی یا به دست مصرف‌کننده نمی‌رسد یا با قیمت بالاتر می‌رسد.

در کالاهای اساسی، این زنجیره حساس‌تر است. نان، لبنیات، گوشت، مرغ، روغن، دارو، سوخت، مواد شوینده و کالاهای روزمره فقط اقلام مصرفی نیستند؛ شاخص آرامش اجتماعی‌اند. وقتی مردم احساس کنند این کالاها در دسترس است، حتی در شرایط نااطمینانی نیز رفتار خرید آنها منطقی‌تر می‌شود. اما اگر قفسه‌ها خالی شود یا شایعه کمبود شکل بگیرد، تقاضای احتیاطی بالا می‌رود و همان نگرانی می‌تواند کمبود واقعی ایجاد کند.

بنابراین تولید داخلی فقط به معنای تولید کالا نیست؛ به معنای حفظ جریان عرضه است. اقتصاد در بحران به جریان نیاز دارد. کالا باید تولید شود، بسته‌بندی شود، حمل شود، توزیع شود و به‌موقع به دست مصرف‌کننده برسد. اگر این جریان قطع شود، حتی داشتن ذخایر انبارشده هم کافی نیست.

بنابراین تولید داخلی فقط به معنای تولید کالا نیست؛ به معنای حفظ جریان عرضه است. اقتصاد در بحران به جریان نیاز دارد. کالا باید تولید شود، بسته‌بندی شود، حمل شود، توزیع شود و به‌موقع به دست مصرف‌کننده برسد. اگر این جریان قطع شود، حتی داشتن ذخایر انبارشده هم کافی نیست.

بنابراین تولید داخلی فقط به معنای تولید کالا نیست؛ به معنای حفظ جریان عرضه است. اقتصاد در بحران به جریان نیاز دارد. کالا باید تولید شود، بسته‌بندی شود، حمل شود، توزیع شود و به‌موقع به دست مصرف‌کننده برسد. اگر این جریان قطع شود، حتی داشتن ذخایر انبارشده هم کافی نیست.

بنابراین تولید داخلی فقط به معنای تولید کالا نیست؛ به معنای حفظ جریان عرضه است. اقتصاد در بحران به جریان نیاز دارد. کالا باید تولید شود، بسته‌بندی شود، حمل شود، توزیع شود و به‌موقع به دست مصرف‌کننده برسد. اگر این جریان قطع شود، حتی داشتن ذخایر انبارشده هم کافی نیست.

بحران، زنجیره را آزمایش می‌کند

بحران‌ها مانند آزمون فشار برای اقتصاد عمل می‌کنند. در روزهای عادی، بسیاری از ضعف‌ها پنهان می‌ماند. ممکن است زنجیره تامین به ظاهر کار کند، اما وابستگی به واردات، کمبود قطعه، فرسودگی ماشین‌آلات، ناترازی انرژی، بدهی بانکی، مشکل سرمایه در گردش و ضعف لجستیک در پشت صحنه وجود داشته باشد. بحران این ضعف‌ها را آشکار می‌کند.

اگر یک کارخانه برای مواد اولیه به واردات وابسته باشد، هر اختلال در ارز، حمل‌ونقل خارجی یا تخصیص کالا می‌تواند تولید را کند کند. اگر یک واحد تولیدی با مشکل برق و گاز روبرو باشد، حتی با وجود تقاضا نمی‌تواند ظرفیت کامل خود را فعال کند. اگر شبکه حمل‌ونقل فرسوده باشد یا سوخت‌رسانی دچار اختلال شود، کالا در کارخانه می‌ماند و به بازار نمی‌رسد. اگر نظام توزیع شفاف نباشد، کالا ممکن است به جای مصرف‌کننده واقعی، در مسیر واسطه‌گری و احتکار گرفتار شود.

به همین دلیل، تاب‌آوری اقتصادی فقط با شعار حمایت از تولید ساخته نمی‌شود. باید دید زنجیره تولید تا چه حد در برابر شوک مقاوم است. آیا مواد اولیه جایگزین وجود دارد؟ آیا تولیدکننده سرمایه در گردش کافی دارد؟ آیا حمل‌ونقل داخلی توان جابه‌جایی سریع کالا را دارد؟ آیا سامانه توزیع شفاف است؟ آیا ذخایر راهبردی به‌موقع وارد بازار می‌شود؟ این پرسش‌ها در بحران اهمیت حیاتی پیدا می‌کنند.

تولید داخلی و امنیت معیشت

در اقتصاد خانوار، امنیت معیشت یعنی مردم مطمئن باشند کالاهای

کمبودهای منطقه‌ای شکل می‌گیرد. اگر مواد غذایی در کارخانه موجود باشد اما حمل‌ونقل دچار اختلال شود، فروشگاه‌ها با کمبود روبرو می‌شوند.

بنابراین سیاست تولید باید با سیاست لجستیک همراه باشد. حمایت از تولید بدون تقویت حمل‌ونقل، انبارداری و توزیع ناقص است. در اقتصاد مدرن، زنجیره تامین به اندازه خود تولید اهمیت دارد.

بنگاه‌های کوچک؛ سربازان خاموش اقتصاد

در کنار صنایع بزرگ، بنگاه‌های کوچک و متوسط نقش مهمی در تاب‌آوری اقتصاد دارند. این بنگاه‌ها در تولید قطعه، بسته‌بندی، خدمات فنی، حمل‌ونقل، تعمیرات، توزیع محلی و تامین نیازهای منطقه‌ای فعال‌اند. در بحران، انعطاف‌پذیری آنها می‌تواند به اقتصاد کمک کند. یک بنگاه کوچک شاید به تنهایی بزرگ به نظر نرسد، اما مجموعه آنها شبکه‌ای گسترده از اشتغال و تولید را شکل می‌دهد.

مشکل اینجاست که سیاست‌گذاری اقتصادی اغلب به صنایع بزرگ بیشتر توجه می‌کند. بنگاه‌های کوچک کمتر به تسهیلات ارزان، بازار رسمی، فناوری و حمایت‌های هدفمند دسترسی دارند. در حالی که اگر این بنگاه‌ها تقویت شوند، اقتصاد در برابر شوک‌ها پخش‌شده‌تر و مقاوم‌تر می‌شود. تمرکز بیش از حد تولید در چند واحد بزرگ، ریسک اختلال را بالا می‌برد.

ذخیره کالا کافی نیست

برخی تصور می‌کنند تاب‌آوری اقتصادی یعنی انبار کردن کالا. ذخایر راهبردی مهم است، اما کافی نیست. انبار می‌تواند در کوتاه‌مدت بازار را آرام کند، اما اگر تولید ادامه پیدا نکند، ذخایر هم تمام می‌شود. امنیت اقتصادی پایدار با ترکیب ذخیره راهبردی و تولید فعال ساخته می‌شود. ذخیره بدون تولید، زمان می‌خرد؛ تولید، آینده می‌سازد. کشور باید هم ذخایر کافی داشته باشد و هم ظرفیت تولیدی که بتواند این ذخایر را جایگزین کند. اگر یکی از این دو نباشد، اقتصاد آسیب‌پذیر می‌شود.

سیاست‌گذار چه باید بکند؟

اگر تولید داخلی قرار است تسخیر اقتصاد باشد، سیاست‌گذار باید با آن مانند سپهر رفتار کند، نه فقط مانند منبع مالیات یا ابزاری برای کنترل قیمت. تولیدکننده به ثبات مقررات، تامین انرژی، دسترسی به مواد اولیه، سرمایه در گردش، بازار قابل پیش‌بینی و نظام توزیع سالم نیاز دارد. هر سیاستی که این عوامل را مختل کند، تاب‌آوری اقتصاد را کاهش می‌دهد. حمایت از تولیدکننده به معنای حمایت بی‌قیدوشرط از ناکارآمدی نباشد. حمایت درست یعنی رفع موانع تولید، تشویق بهره‌وری، نوسازی ماشین‌آلات، توسعه فناوری، تسهیل صادرات و کاهش هزینه‌های مبادله. اگر تولیدکننده فقط با رانت و انحصار زنده بماند، در بحران کارآمد نخواهد بود. اما اگر در فضای رقابتی و قابل پیش‌بینی رشد کند، می‌تواند ستون تاب‌آوری باشد.

جمع‌بندی: اقتصاد با تولید زنده می‌ماند

در روزهای بحران، تولید داخلی بیش از هر زمان دیگری معنا پیدا می‌کند. تولید، فقط شاخص رشد اقتصادی نیست؛ ستون امنیت معیشت و آرامش اجتماعی است. دولت زنجیره تولید و توزیع کار کند، مردم کمتر نگران کمبود می‌شوند، دولت کمتر مجبور به مداخله اضطراری می‌شود و بازارها کمتر دچار رفتار هیجانی می‌شوند.

اما این توان تولیدی خودبه‌خود شکل نمی‌گیرد. نیازمند سرمایه‌گذاری، ثبات سیاستی، تامین مالی سالم، انرژی پایدار، لجستیک کارآمد، فناوری به‌روز و احترام به بخش خصوصی است. اقتصاد ایران اگر می‌خواهد در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر شود، باید تولید داخلی را از سطح شعار به سطح راهبرد امنیت اقتصادی ارتقا دهد.

وقتی تولید ادامه دارد، اقتصاد نفس می‌کشد. ذخیره ارزی مهم است، واردات لازم است، بودجه دولت اثرگذار است، اما در نهایت، آنچه زندگی روزمره مردم را حفظ می‌کند، جریان تولید و توزیع است. در بحران، کارخانه روشن، مزرعه فعال، کامیون در حرکت و فروشگاه پرکالا همان سپهر پنهانی است که اقتصاد را نگه می‌دارد.

اقتصاد ایران در آستانه یک چرخش بزرگ؟

آن دسته از واحدهایی که به دستور پدافند و به دلیل مخاطرات خاص یا درگیر بودن با مواد شیمیایی مجبور به توقف فعالیت شدند، برخی مجتمع‌های پتروشیمی نیز تولید خود را متوقف کردند، اما سایر صنایع به فعالیت ادامه دادند.

حسینی با اشاره به نقش بخش خصوصی در حفظ تجارت خارجی کشور اظهار کرد: بخش خصوصی و واحدهای صنعتی کشور در این دوره کارنامه قابل دفاعی از خود به جا گذاشتند و در تامین نیازهای داخلی و حفظ بازارهای صادراتی تلاش زیادی کردند.

وی ادامه داد: آمار صادرات سال گذشته اگرچه نسبت به سال قبل کاهش داشت و حدود ۵۰ میلیارد دلار ثبت شد، در حالی که سال پیش از آن به حدود ۵۸ میلیارد دلار رسیده بود، اما در همان شرایط جنگی نیز دستیابی به این میزان صادرات یک موفقیت بزرگ محسوب می‌شود. این فعال اقتصادی خاطر‌نشان کرد: طبیعی بود که محدودیت‌های دریایی و مشکلات حمل‌ونقل فشار زیادی بر واحدهای اقتصادی و صنعتی کشور وارد کند و صادرات و واردات را تحت تأثیر قرار دهد، اما عرق ملی و پایدندی مدیران واحدهای صنعتی باعث شد فعالیت‌ها ادامه پیدا کند. او افزود: تلاش شد نیروهای انسانی، به‌ویژه در واحدهای بزرگ، تعدیل نشوند و کمتر شاهد اخراج یا تعدیل گسترده نیروها بودیم. اگر چه قیمت‌ها افزایش پیدا کرد و کالاهای گران شدند، اما کشور با کمبود کالا یا قطعی مواجه نشد. وی نقش مردم را در عبور از شرایط جنگی بسیار مهم دانست و اظهار کرد: مردم در این شرایط امتحان خوبی پس دادند. آن‌ها با صرف‌جویی، کمک به یکدیگر و حفظ آرامش اجتماعی نقش مهمی در مدیریت بحران ایفا کردند. نه تنها شاهد خروج گسترده مردم از کشور نبودیم، بلکه بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار ایرانی به کشور بازگشتند. این اتفاق نشان داد که شاید ایران از نظر اقتصادی با نظامی ابرقدرت جهان نباشد، اما ایرانیان قطعاً یک ابرملت هستند.

عضو اتاق بازرگانی ایران با اشاره به شکل‌گیری انسجام اجتماعی در دوران جنگ گفت: حضور مردم در اطراف مراکز حساس نیروگاهی، صنعتی و هسته‌ای و تشکیل حلقه‌های انسانی اقدامی ارزشمند بود که نگاه جهان را نسبت به ایران تغییر داد. اعلام آمادگی حدود ۳۰ میلیون نفر برای دفاع از منافع کشور و همراهی با نظام، سرمایه اجتماعی بزرگی بود و اکنون نیز حاکمیت باید به این اعتماد و همراهی مردم پاسخ دهد. حسینی درباره نتایج تحولات سیاسی اخیر اظهار کرد: خوشبختانه کشور توانست از یک پیچ تاریخی عبور کند. دشمنان آمده بودند تا تمدن

ایرانی را نابود و نظام را سرنگون کنند، اما در نهایت مجبور شدند بدون آنکه ایران امتیاز خاصی در حوزه موشکی، منطقه‌ای یا تعطیلی برنامه هسته‌ای بدهد، به سمت توافق و تقاهم حرکت کنند. معنای این توافق آن است که درگیری‌ها پایان یافته و امکان گفت‌وگو درباره رفع تحریم‌ها، نظرات‌های هسته‌ای و همکاری‌های آینده فراهم شده است.

این عضو اتاق بازرگانی ایران آزادسازی منابع ارزی بلوکه شده را عامل مهمی در بهبود شرایط اقتصادی دانست و گفت: آزادسازی حدود ۲۵ میلیارد دلار از منابع بلوکه شده ایران می‌تواند امید تازه‌ای به اقتصاد کشور بدهد، بخشی از افزایش قیمت‌ها را جبران و آثار محدودیت‌های تجاری را کاهش دهد.

او افزود: با تسهیل ورود مواد اولیه به کشور، هزینه تولید کاهش خواهد یافت و این موضوع می‌تواند به کاهش قیمت‌ها کمک کند. همچنین نرخ ارز نیز به احتمال زیاد روند نزولی خواهد گرفت. همان طور که افزایش نرخ ارز بر قیمت همه کالاها اثر می‌گذارد، کاهش آن نیز می‌تواند آثار مثبتی بر اقتصاد داشته باشد.

وی با اشاره به بهبود روابط منطقه‌ای ایران گفت: جنگ موجب شد روابط ایران با برخی کشورهای عربی بهبود پیدا کند و در داخل کشور نیز نوعی ایجاد در مسائل کلان شکل بگیرد که این موضوعات امیدبخش هستند. امیدواریم پس از پشت سر گذاشتن حدود دو سال دشوار همراه با تورم، افزایش هزینه‌ها و نگرانی‌های اقتصادی، کشور به ساحل آرامش برسد.

عضو اتاق بازرگانی ایران با اشاره به تجربه برجام اظهار کرد: توافق اولیه ایران با غرب در سال ۱۳۹۲ موجب شد اقتصاد کشور تا سال ۱۳۹۷ از ثبات نسبی برخوردار باشد، نرخ ارز تغییرات محدودی داشته باشد، تورم کاهش یابد و در مجموع اقتصاد کشور حدود ۳۳ درصد رشد کند. اگر در مذاکرات آینده تحریم‌های اولیه و ثانویه برداشته شوند، فعالان اقتصادی ایران که از ظرفیت، دانش و شناخت بالایی از بازارهای جهانی برخوردارند، می‌توانند با سرعت آثار جنگ را از اقتصاد کشور پاک کنند.

وی تأکید کرد: معتقدم اگر محدودیت‌ها کاهش یابد و دست فعالان اقتصادی باز شود، ظرف یک تا دو سال آینده شرایط اقتصادی کشور به طور کامل تغییر خواهد کرد. مهم‌ترین مشکل امروز کشور کمبود امید نسبت به آینده است و اگر این امید به جامعه بازگردد، شاهد افزایش اشتغال، رشد صادرات و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت واحدهای صنعتی خواهیم بود و اقتصاد کشور بار دیگر در مسیر توسعه قرار خواهد گرفت.

کاهش زمان فرآیندهای استاندارد در گمرک به ۳.۵ روز

معاون کیفیت سازمان ملی استاندارد با اشاره به اینکه فرآیند ارزیابی انطباق کالا از ۱۵ روز در سال گذشته به ۳ روز کاهش پیدا کرده است گفت: این زمان در سامانه گمرکی به ۳.۵ روز تقلیل یافته که همین امر در دسترسی با کیفیت‌تر کالا به مردم اثرگذار خواهد بود.

به گزارش ایستنا، محمودرضا طاهری – معاون کیفیت سازمان ملی استاندارد – در نشست خبری اصحاب رسانه گفت: مسئله مهم این است که اعتماد به کیفیت، از آزمایشگاه آغاز و هرچه دقت، صلاحیت فنی و اعتبار مراکز آزمون کشور افزایش یابد، اطمینان جامعه به کیفیت کالاها و خدمات نیز بیشتر خواهد شد.

وی افزود: توسعه صنعتی، ارتقای کیفیت تولیدات داخلی و افزایش اعتماد عمومی، بیش از هر زمان دیگری به زیرساخت‌های معتبر آزمون و ارزیابی وابسته است. در این میان، آزمایشگاه‌های تخصصی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام استاندارد، نقشی اساسی در سنجش، اندازه‌گیری و تأیید انطباق محصولات با الزامات فنی و استانداردهای ملی و بین‌المللی بر عهده دارند.

معاون کیفیت سازمان ملی استاندارد ادامه داد: سازمان ملی استاندارد ایران به‌عنوان مرجع رسمی و حاکمیتی نظام استاندارد کشور، همواره بر توسعه زیرساخت‌های ارزیابی انطباق، ارتقای توانمندی‌های آزمایشگاهی، استقرار روش‌های نوین آزمون و افزایش دقت و قابلیت اطمینان نتایج اندازه‌گیری تأکید داشته است. بدون برخورداری از مراکز آزمون توانمند و مجهز، تحقق اهداف کلان کیفیت و استاندارد در کشور امکان‌پذیر نخواهد بود.

طاهری گفت: آنچه برای سازمان ملی استاندارد ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اطمینان از صحت، بی‌طرفی، شفافیت و قابلیت ردیابی نتایج آزمون‌هاست و بهره‌گیری از این فناوری‌ها نه‌تنها موجب تقویت نظام ارزیابی انطباق می‌شود، بلکه زمینه ارتقای کیفیت تولیدات داخلی و افزایش رقابت‌پذیری آن‌ها را نیز فراهم می‌آورد.

وی تصریح کرد: بنابراین توسعه و تقویت شبکه آزمایشگاهی کشور از اولویت‌ها است و به هر میزان که توان فنی و تخصصی آزمایشگاه‌های کشور افزایش یابد، امکان نظارت نظاممندتر، تصمیم‌گیری دقیق‌تر و اطمینان‌بخشی بیشتر به جامعه نیز فراهم خواهد شد.

معاون کیفیت سازمان ملی استاندارد گفت: فرآیند ارزیابی انطباق کالا از ۱۵ روز در سال گذشته به ۳ روز کاهش پیدا کرده که در سامانه گمرکی به ۳.۵ روز تقلیل یافته که در دسترسی با کیفیت‌تر کالا به مردم اثرگذار است. طاهری در پاسخ به سؤالی مبنی بر کیفیت استاندارد آسانسور گفت: علاوه بر استانداردهای اجباری در حوزه آسانسور، استانداردهای اجباری نیز باید توسط مردم پیگیری شود. یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در جامعه ما وجود دارد، مسئله اعتمادسازی است. در حوزه آسانسور نیز با همین چالش مواجه هستیم. ممکن است یک شرکت موفق به دریافت جایزه ملی، گواهینامه‌ها و تاییدیه‌های استاندارد شده باشد، اما واقعیت این است که بسیاری از مردم هنگام استفاده از آسانسور همچنان احساس ناامنی می‌کنند.

وی گفت: در ایران به دلایل مختلف، آسانسورها معمولاً فراتر از عمر مفید خود مورد استفاده قرار می‌گیرند و در برخی موارد از قطعاتی استفاده می‌شود که استانداردهای لازم را ندارند؛ برای مثال، موتوری که عمر مفید آن پنج سال است، ممکن است بیست سال مورد استفاده قرار بگیرد.

معاون کیفیت سازمان ملی استاندارد افزود: صدور تعداد زیادی گواهینامه و تاییدیه، به‌تنهایی تضمین‌کننده ایمنی نیست و ممکن است تولیدکننده یا مصرف‌کننده در ادامه مسیر، الزامات و استانداردهای تعیین‌شده را رعایت نکنند و در خصوص اجباری شدن استاندارد آسانسور نیز باید توجه داشت که این موضوع در بی وقوع برخی حوادث و افزایش نگرانی‌های عمومی مطرح شد. همان‌طور که در موارد دیگر نیز پس از وقوع حوادث بزرگ، مانند زلزله بم، توجه بیشتری به استانداردها و مقررات فنی معطوف شد، در حوزه آسانسور نیز افزایش حوادث موجب شد الزام به رعایت استانداردها جدی‌تر دنبال شود.

طاهری خاطر نشان کرد: بنابراین در حوزه آسانسور، انجام بازرسی‌ها و کنترل‌های دوره‌ای از اهمیت بالایی برخوردار و بر اساس ضوابط موجود، کنترل‌های لازم باید به‌صورت مستمر انجام شود که معمولاً این وظیفه بر عهده همان شرکتی است که عملیات نصب آسانسور را انجام داده است. با این حال، نکته مهم آگاهی‌بخشی به مردم است تا بدانند علاوه بر این کنترل‌ها، لازم است به‌صورت سالانه نیز بازرسی‌های فنی توسط شرکت‌های بازرسی ذی‌صلاح انجام شود.

ضرورت تشکیل اتاق فکر و موفقیت در توسعه

پایدار کشاورزی

رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس خواستار تشکیل یک اتاق فکر مشترک میان دستگاه‌های متولی در بخش کشاورزی برای تصمیم‌گیری براساس داده‌های واقعی شد.

به گزارش خیرگزاری مهر، محمدجواد عسکری امروز سه‌شنبه در نشست تبیین و جاری‌سازی سیاست‌های ابلاغی و مطالبات رهبر شهید انقلاب گفت: برای دستیابی به اهداف امنیت غذایی و توسعه پایدار کشاورزی، باید سازوکاری هماهنگ میان وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو، کمیسیون کشاورزی مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر نهادهای مرتبط شکل گیرد. وی افزود: امروز لازم است با جمع‌آوری و تحلیل دقیق داده‌ها، مسیر حرکت بخش کشاورزی مشخص شود.

رئیس کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس شورای اسلامی، کشاورزی را بزرگ‌ترین بخش خصوصی اقتصاد کشور عنوان و تصریح کرد: این بخش با برخورداری از حدود ۴.۵ میلیون بهره‌بردار، سهم ۲.۵ درصدی در اشتغال کشور دارد و بازدهی آن نیز حدود سه برابر بخش صنعت است. وی اضافه کرد: با این حال، بخش کشاورزی با چالش‌های متعددی مواجه است که بخشی از آن باید از طریق اصلاح و تکمیل قوانین و بخشی دیگر از طریق اجرای دقیق سیاست‌ها و برنامه‌ها برطرف شود.

عسکری اظهار کرد: در تدوین برنامه هفتم توسعه تلاش شد با بهره‌گیری از نظرات خبرگان، کشاورزان پیشرو، اندیشمندان، محققان، مروجان و کارشناسان این حوزه، احکام جامع‌تری نسبت به برنامه‌های گذشته تدوین شود.

وی تأکید کرد: احکام مرتبط با حوزه آب، کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه محدود و در مواردی ناقص بود و از این رو تلاش کردیم در برنامه هفتم پیشرفت نگاه جامع‌تری به این حوزه‌ها صورت گیرد.

رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس با اشاره به آغاز سومین سال اجرای برنامه هفتم پیشرفت گفت: نباید اجازه دهیم این برنامه نیز مانند برخی برنامه‌های گذشته بدون دستیابی به اهداف تعیین‌شده به پایان برسد.

خبرنامه

گام تازه در توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با صدور مجوز محیط زیستی

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس از صدور مجوز محیط‌زیستی موقعیت سکوی A فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی خبر داد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از شرکت نفت و گاز پارس، حسین احسنی بیان کرد: مجوز محیط‌زیستی موقعیت سکوی A فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی پس از انجام مطالعات فنی - تخصصی، تهیه گزارش ارزیابی آثار محیط زیستی (EIA)، بررسی‌های کارشناسی، دفاع موفق و سرانجام تصویب در کارگروه ارزیابی سازمان حفاظت محیط زیست صادر شد.

وی با اشاره به جایگاه ویژه حفاظت از محیط‌زیست در سیاست‌های توسعه‌ای شرکت نفت و گاز پارس افزود: در توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی، احداث دو سکوی سرچاهی روی دو جکت چهارپایه در آب‌های خلیج فارس با عمق حدود ۷۰ متر، اجرای خط لوله دریایی ۳۲ اینچی به طول حدود ۱۳۵ کیلومتر و خطوط ۴ اینچ پیچیک برگشتی برای انتقال سیال سه‌فازی به پالایشگاه خشکی فاز ۱۲ مجتمع گازی پارس جنوبی در نظر گرفته شده است.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس ادامه داد: ظرفیت تولید این طرح، روزانه ۲ میلیارد استاندارد فوت مکعب گاز طبیعی برآورد شده است که نقش مهمی در تداوم تولید پایدار گاز، تأمین انرژی کشور و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های بزرگ‌ترین میدان گازی جهان ایفا خواهد کرد.

احسنی با تأکید بر اینکه پیش از این، مجوز نخستین سکوی فراساحلی این طرح در موقعیت سکوی B فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی از سوی سازمان حفاظت محیط‌زیست صادر شده است، بیان کرد: در فرایند ارزیابی این طرح، همه ابعاد محیط‌زیستی از جمله حفاظت از اکوسیستم دریایی خلیج فارس، مدیریت پسماندهای حفاری، کنترل آلودگی هوا، مدیریت پساب‌های عملیاتی و پیشگیری از مخاطره‌های محیط زیستی به‌صورت جامع بررسی و الزام‌های مشخصی برای اجرای آن تعیین شده است.

وی افزود: تخلیه‌کردن آب همراه گاز به دریا، استفاده از سامانه بازیافت گازهای فله، ممنوعیت گازسوزی پیوسته، پایش برخط انتشار آلاینده‌ها، اجرای برنامه‌های جامع پایش محیط زیست دریایی و به‌کارگیری روش‌های تازه مدیریت گل و کنده‌های حفاری از مهم‌ترین الزام‌های محیط زیستی این طرح به شمار می‌رود که اجرای آن‌ها زمینه توسعه مسئولانه و پایدار فعالیت‌های صنعت نفت و گاز را فراهم می‌کند.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، دریافت این مجوز را نشانه تعهد شرکت نفت و گاز پارس به دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست دانست و گفت: این شرکت همچنان اجرای طرح‌های توسعه‌ای را در چارچوب اصول توسعه پایدار و صیانت از سرمایه‌های طبیعی کشور دنبال می‌کند.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، دریافت این مجوز را نشانه تعهد شرکت نفت و گاز پارس به دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست دانست و گفت: این شرکت همچنان اجرای طرح‌های توسعه‌ای را در چارچوب اصول توسعه پایدار و صیانت از سرمایه‌های طبیعی کشور دنبال می‌کند.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، دریافت این مجوز را نشانه تعهد شرکت نفت و گاز پارس به دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست دانست و گفت: این شرکت همچنان اجرای طرح‌های توسعه‌ای را در چارچوب اصول توسعه پایدار و صیانت از سرمایه‌های طبیعی کشور دنبال می‌کند.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، دریافت این مجوز را نشانه تعهد شرکت نفت و گاز پارس به دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست دانست و گفت: این شرکت همچنان اجرای طرح‌های توسعه‌ای را در چارچوب اصول توسعه پایدار و صیانت از سرمایه‌های طبیعی کشور دنبال می‌کند.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، دریافت این مجوز را نشانه تعهد شرکت نفت و گاز پارس به دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست دانست و گفت: این شرکت همچنان اجرای طرح‌های توسعه‌ای را در چارچوب اصول توسعه پایدار و صیانت از سرمایه‌های طبیعی کشور دنبال می‌کند.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، دریافت این مجوز را نشانه تعهد شرکت نفت و گاز پارس به دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست دانست و گفت: این شرکت همچنان اجرای طرح‌های توسعه‌ای را در چارچوب اصول توسعه پایدار و صیانت از سرمایه‌های طبیعی کشور دنبال می‌کند.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، دریافت این مجوز را نشانه تعهد شرکت نفت و گاز پارس به دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست دانست و گفت: این شرکت همچنان اجرای طرح‌های توسعه‌ای را در چارچوب اصول توسعه پایدار و صیانت از سرمایه‌های طبیعی کشور دنبال می‌کند.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، دریافت این مجوز را نشانه تعهد شرکت نفت و گاز پارس به دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست دانست و گفت: این شرکت همچنان اجرای طرح‌های توسعه‌ای را در چارچوب اصول توسعه پایدار و صیانت از سرمایه‌های طبیعی کشور دنبال می‌کند.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، دریافت این مجوز را نشانه تعهد شرکت نفت و گاز پارس به دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست دانست و گفت: این شرکت همچنان اجرای طرح‌های توسعه‌ای را در چارچوب اصول توسعه پایدار و صیانت از سرمایه‌های طبیعی کشور دنبال می‌کند.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، دریافت این مجوز را نشانه تعهد شرکت نفت و گاز پارس به دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست دانست و گفت: این شرکت همچنان اجرای طرح‌های توسعه‌ای را در چارچوب اصول توسعه پایدار و صیانت از سرمایه‌های طبیعی کشور دنبال می‌کند.

سرپرست بهداشت، ایمنی، محیط‌زیست و پدافند غیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، دریافت این مجوز را نشانه تعهد شرکت نفت و گاز پارس به دریافت مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست دانست و گفت: این شرکت همچنان اجرای طرح‌های توسعه‌ای را در چارچوب اصول توسعه پایدار و صیانت از سرمایه‌های طبیعی کشور دنبال می‌کند.

یک کارشناس اقتصادی با تأکید بر اینکه عدالت اقتصادی یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی در اندیشه رهبر شهید است، گفت: حفظ ارزش پول ملی و صیانت از قدرت خرید مردم باید در اولویت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی قرار گیرد.

به گزارش ایسنا، عدالت اقتصادی و حفظ قدرت خرید مردم از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که همواره مورد تأکید رهبر شهید قرار گرفته است. در همین زمینه، یک کارشناس اقتصادی به بررسی جایگاه عدالت اقتصادی و نقش ارزش پول ملی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی پرداخت. عبدالمجید شیخی - کارشناس اقتصادی - ر گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به جایگاه اقتصاد در اندیشه‌های رهبر شهید انقلاب اظهار کرد: طرح کلیدواژه «اقتصاد مقاومتی» یکی از مهم‌ترین ابتکارات ایشان در حوزه اقتصاد بود که توانست به عنوان یک مفهوم جدید، توجه بسیاری از اقتصاددانان و صاحب‌نظران را به خود جلب کند. وی افزود: در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مؤلفه‌های متعددی مورد توجه قرار گرفته که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عدالت‌محوری است. موضوع عدالت اقتصادی بنیان‌گذار پیش از این نیز در ادبیات انقلاب اسلامی و اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده، اما رهبر شهید این موضوع را در قالب یک چارچوب منسجم و تحت عنوان اقتصاد مقاومتی تبیین و ارائه کردند.

این کارشناس اقتصادی با تأکید بر اینکه عدالت اجتماعی و اقتصادی یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود، تصریح کرد:

متأسفانه عملکرد دولت‌های مختلف در تحقق این هدف با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است و در مجموع نمی‌توان نمره قابل قبولی به عملکرد قوه مجریه در این زمینه داد.

شیخی ادامه داد: اگر تحقق کامل اهداف عدالت اقتصادی را عدد ۱۰۰ در نظر بگیریم، به اعتقاد من عملکرد دولت‌ها حتی به ۱۰ درصد این اهداف نیز نرسیده است. بخش مهمی از این ناکامی به نحوه مدیریت ارزش پول ملی بازمی‌گردد.

وی با بیان اینکه ارزش پول ملی نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ عدالت اقتصادی دارد، گفت: زمانی که ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند، بیشترین آسیب متوجه اقشار حقوق‌بگیر، کارگران، بازنستگان و همه کسانی می‌شود که درآمد ثابت دارند. در چنین شرایطی قدرت خرید مردم کاهش یافته و فاصله طبقاتی افزایش پیدا می‌کند.

این کارشناس اقتصادی افزود: در دو سال اخیر شاهد کاهش قابل توجه ارزش پول ملی بوده‌ایم و این مسئله به طور مستقیم بر معیشت مردم اثر گذاشته است. کاهش ارزش پول ملی به معنای کاهش قدرت خرید خانوارها و تضعیف بنیان‌های اقتصادی کشور است؛ موضوعی که با اهداف عدالت‌محور اقتصاد مقاومتی فاصله دارد.

شیخی با اشاره به تاثیر نرخ ارز بر وضعیت اقتصادی کشور اظهار کرد: افزایش نرخ ارز در نهایت خود را در قیمت کالاها و خدمات نشان می‌دهد و موجب فشار مضاعف بر معیشت مردم می‌شود. به همین دلیل حفظ ثبات پولی و ارزی باید یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاران

اقتصاد مقاومتی بدون صیانت از قدرت خرید مردم محقق نمی‌شود



اقتصادی باشد. وی همچنین با انتقاد از برخی رویکردهای اقتصادی سال‌های اخیر گفت: بخش قابل توجهی از مشکلات معیشتی مردم ناشی از سیاست‌هایی است که به تضعیف ارزش پول ملی منجر شده است. در حالی که از منظر عدالت اقتصادی، سیاست‌گذار باید از قدرت خرید مردم و به ویژه اقشار ضعیف جامعه صیانت کند.

این کارشناس اقتصادی در ادامه با اشاره به دیدگاه‌های رهبر شهید درباره عدالت اجتماعی خاطر‌نشان کرد: در اندیشه اقتصادی ایشان، عدالت صرفاً یک شعار نبود، بلکه به عنوان یکی از اهداف اصلی نظام اقتصادی مطرح می‌شد. بر همین اساس، هر سیاست اقتصادی باید در نهایت به بهبود وضعیت معیشتی مردم و کاهش شکاف‌های اجتماعی منجر شود.

شیخی تأکید کرد: اقتصاد مقاومتی از نگاه رهبر شهید تنها به معنای مقابله با تحریم‌ها نبود، بلکه مجموعه‌ای از سیاست‌ها برای تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور، افزایش تاب‌آوری اقتصاد، حمایت از تولید داخلی، ارتقای بهره‌وری و تحقق عدالت اقتصادی را در بر می‌گرفت. وی در پایان گفت: اگر بخواهیم به دیدگاه‌های اقتصادی رهبر شهید وفادار بمانیم، باید در کنار حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری، حفظ ارزش پول ملی، تقویت قدرت خرید مردم و کاهش فاصله طبقاتی را در اولویت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی قرار دهیم؛ چراکه این موارد از مهم‌ترین الزامات تحقق عدالت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی به شمار می‌روند.

شرط جلب اعتماد و جذابیت صندوق‌های ارزی برای سرمایه‌گذاری مردم

جمع‌آوری شده در طرح‌های تولیدی و ارزآور نیز گفت: سرمایه‌گذاری مستقیم مردم در طرح‌های تولیدی با خرید این اوراق تفاوت دارد. در این حالت مردم در واقع منابع خود را در اختیار دولت یا حاکمیت قرار می‌دهند و دولت بر اساس تشخیص خود آن منابع را در طرح‌های اقتصادی و تولیدی سرمایه‌گذاری می‌کند. بنابراین خریدار اوراق مستقیماً شریک آن پروژه‌ها نیست.

شایان آرانی افزود: البته مدل دیگری نیز وجود دارد که در آن صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی برای پروژه‌های مشخص، مانند طرح‌های پتروشیمی یا نفتی، تشکیل می‌شوند. در این حالت مردم به صورت غیرمستقیم در پروژه‌های مشخص سرمایه‌گذاری می‌کنند و طبیعتاً باید اطلاعات دقیق‌تری از طرح، بازدهی و ضمانت‌های آن ارائه شود.

او تصریح کرد: اگر شرکت‌هایی مانند شرکت ملی نفت یا مجموعه‌های پتروشیمی برای تأمین مالی پروژه‌های خود اوراق ارزی منتشر کنند، این مدل نیز قابلیت اجرا دارد؛ اما در این حالت نیز همچنان وجود ضمانت‌های معتبر اهمیت بالایی دارد. سرمایه‌گذار باید مطمئن باشد که اصل سرمایه و سود او تضمین شده و در صورت نیاز امکان فروش اوراق و دریافت ارز را خواهد داشت.

مهم‌ترین مانع احتمالی

شایان آرانی در پایان مهم‌ترین مانع موفقیت این طرح‌ها را ضعف در طراحی و ارائه ابزارهای مالی دانست و تصریح کرد: ابزارهای مالی ارزی موضوع پیچیده‌ای نیستند و در دنیا سال‌ها است مورد استفاده قرار می‌گیرند. آنچه اهمیت دارد نحوه طراحی، بازارسازی، تعیین نرخ سود مناسب و ایجاد ضمانت‌های لازم است. متأسفانه در ایران بارها شاهد بوده‌ایم که اوراق مالی منتشر شده‌اند، اما به دلیل ضعف در طراحی و اجرای صحیح، نتوانسته‌اند جایگاه مناسبی در بازار پیدا کنند. اگر اعتماد عمومی جلب نشود و سازوکارها به درستی تعریف نشوند این ابزارها نیز موفق نمی‌شوند.

پایش بر خط معادن ذغال سنگ کلید خورد

اطلاعات مربوط به شاخص‌های کلیدی ایمنی معدن به‌صورت دوره‌ای یا برخط در سامانه ثبت، پردازش و نمایش داده می‌شود.

ثبت و مشاهده وضعیت عمومی ایمنی معدن، وضعیت تهویه، وضعیت گازهای خطرناک مانند متان، مونوکسیدکربن و دی‌اکسیدکربن، وضعیت نگهداری تونل‌ها و کارگاه‌ها، شرایط روشنایی، برق، تجهیزات و ماشین‌آلات، وضعیت مسیرهای فرار و تجهیزات امداد و نجات از جمله ویژگی‌های این سامانه است. سامانه امکان ثبت نظر تخصصی مسئول ایمنی معدن درباره نواقص، مغایرت‌ها و خطرات موجود در فرآیند معدنکاری را فراهم می‌کند. مسئول ایمنی می‌تواند مشاهدات خود را در قالب فرم‌های استاندارد، مستندات تصویری و توضیحات فنی در سامانه ثبت کند.

همچنین، سامانه پایش و مدیریت ایمنی معادن زیرزمینی ذغال‌سنگ، ابزاری کاربردی و راهبردی برای مدیریتی ایمنی در یکی از پرخطرترین محیط‌های کاری کشور است. این سامانه با فراهم‌کردن امکان پایش برخط، ثبت نواقص، دریافت گزارش‌های کاربردی، سنجش شاخص‌های ایمنی و پشتیبانی از سیاستگذاری‌های نظارتی، می‌تواند نقش موثری در کاهش حوادث، ارتقای فرهنگ ایمنی، بهبود عملکرد بازرسی‌ها و افزایش بهره‌وری نظام نظارت بر معادن ایفا کند.

به‌کارگیری چنین سامانه‌ای موجب می‌شود فرآیند ایمنی معادن از حالت واکنشی و حادثه‌محور به یک رویکرد پیشگیرانه، داده‌محور و قابل پایش تبدیل شود.

بخش خصوصی در ایمنی ساخت و ساز» زمینه حفظ و صیانت از منابع انسانی و مادی حوزه صنعت ساختمان را تسهیل کنند.

همچنین در این جلسه ، از سامانه ثبت وضعیت ایمنی در معادن زغال سنگ زیرزمینی کشور رونمایی شد .

سامانه پایش و مدیریت ایمنی معادن زیرزمینی زغال‌سنگ، یک بستر هوشمند، یکپارچه و تحت وب است که با هدف ارتقای سطح ایمنی، کاهش حوادث، افزایش اثربخشی بازرسی‌ها و فراهم‌سازی امکان تصمیم‌گیری دقیق برای نهادهای نظارتی و مدیریتی طراحی می‌شود. بر اساس اعلام روابط عمومی وزارت کار، این سامانه با گردآوری، ثبت، تحلیل و گزارش‌دهی داده‌های مرتبط با وضعیت ایمنی معادن، امکان پایش مستمر و نظام‌مند فرآیندهای معدنکاری را برای مسئولان ایمنی معادن، بازرسان کار، ادارات تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان‌ها و شهرستان‌ها و مدیران سیاستگذار فراهم می‌کند.

با توجه به ماهیت پرریسک معادن زیرزمینی زغال‌سنگ و وجود مخاطراتی نظیر تجمع گازهای خطرناک، ریزش، انفجار، ضعف تهویه، نقص تجهیزات، مخاطرات ناشی از حمل‌ونقل زیرزمینی و شرایط نامناسب کار، استفاده از یک سامانه متمرکز و برخط می‌تواند نقش مهمی در شناسایی به‌موقع نواقص، پیگیری اقدامات اصلاحی و پیشگیری از بروز حوادث ایفا کند.

یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های سامانه، امکان پایش برخط و مستمر وضعیت ایمنی معادن زیرزمینی زغال‌سنگ است. در این بخش،

با حضور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در دویستمین جلسه شورای عالی حفاظت فنی از «سامانه ثبت وضعیت ایمنی در معادن زغال‌سنگ زیرزمینی کشور» به‌عنوان ابزار هوشمند پایش برخط و پیشگیری از حوادث رونمایی شد؛ هم‌زمان نیز تفاهم‌نامه ارتقای ایمنی در صنعت ساختمان میان وزارت کار و سازمان نظام مهندسی ساختمان با هدف تقویت نظارت، الزامات ایمنی و کاهش حوادث کار به امضا رسید.

به گزارش ایسنا، دویستمین جلسه شورای عالی حفاظت فنی همراه با «بین رونمایی از سامانه ثبت وضعیت ایمنی در معادن زغال سنگ زیرزمینی کشور» و «بین امضای تفاهم‌نامه ارتقای ایمنی در صنعت ساختمان با نظام مهندسی ساختمان کشور» با حضور احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد.

در این آیین، تفاهم‌نامه همکاری در زمینه ارتقای ایمنی و کاهش حوادث کارگاه‌های ساختمانی به امضای پروانه رضای بختیاری، معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و امین مقومی رییس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور رسید .

طرفین در این تفاهم‌نامه متعهد می‌شوند با تمرکز بر موضوعات «ایجاد بستر لازم برای استقرار سرپرست ایمنی در کارگاه‌های ساختمانی»، «تبادل اطلاعات و تقویت ضمانت‌های اجرایی ایمنی»، «گسترش استفاده از تجهیزات حفاظتی و رعایت الزامات ایمنی در کارگاه‌ها»، «حضور مجری دارای صلاحیت»، «فرهنگ‌سازی و ارتقای مطالبه اجتماعی در زمینه ایمنی» و «تقویت تشکل‌ها و ظرفیت‌های

